

روایت یک دلتنگی مشترک در میناب؛

اشک‌های پدر و مادر ایلیا بر مزار ماکان در میناب

میناب، لامرد#۴۷؛ پدر و مادر ایلیا، اشک‌ها را نه برای یک مزار، بلکه برای همه نیمکت‌های خالی کلاس‌های درس و کودکی‌هایی که در میان آتش و خون، جاودانه شدند ریخته شد.<br#۴۷>

به گزارش خبر پایگاه خبری تصمیم ۲۴، عصر گرم میناب شاهد صحنه‌ای جانسوز و ماندگار بود، پدر و مادر «ایلیا»، دانش‌آموز لامردی، خود را به روستای اسلام‌آباد میناب رسانده‌اند تا بر مزار «ماکان نصیری» بنشینند؛ نوجوانی که جامانده از کاروان مدرسه، تنها یک پیراهن خونین و چند دفتر نیمه‌کاره از خود به یادگار گذاشته است.

اینجا، زیر آفتاب داغ میناب، اشک‌ها نه برای یک مزار، که برای همه نیمکت‌های خالی کلاس‌های درس جاری شد.

قصه‌ای از کتاب‌هایی که بسته نشدند، درس‌هایی که تمام نشدند و کودکی‌هایی که در میان آتش و خون، جاودانه شدند.